

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم. سلام عليكم. قسمتی از کتاب «با مخاطب های آشنا» از دکتر شریعتی رو خدمتتان می آورم لطفا نظرتان رو بفرمایید که با چه نگاهی می توان به این گفته ها نگاه کرد. صفحه ۸: «همانطور که دکتر مصدق تز اقتصاد منهای نفت را مطرح کرد... الحمد لله تز اسلام منهای آخوند در جامعه تحقق پیدا کرده است و این موفقیت موجب شده که اسلام از چهارچوب تنگ قرون وسطایی و اسارت در کلیساهای کشیشی و بینش متحجر و طرز فکر منحط و بینش خرافی آزاد شده است»،.... «من گاندی آتش پرست را بیشتر لایق شیعه بودن می دانم تا آیت الله بهبهانی و بدتر از او علامه مجلسی را»، بعد از احمد حنبل تعریف می کند و بعد به پدرش می گوید: «که شما تشیعی که هلاکو و شاه عباس و شاه سلطان حسین بعنوان صله در قبال عبودیت و سجود خواجه نصیر و تملق های مستانه مجلسی در مقدمه زاد المعاد و به عنوان بغضی علیه خلیفه بغداد عطا کرد نمی توانید بنام یک مسلمان که شاگرد محمد و علی و قرآن و حسین است و معتقد به توحید و تقوی و حریت و عدالت قبول داشته باشید.» با توجه به فضای کتاب در می آید که دنبال اسلام ناب انقلابی و حتی بدون تقیه می گردد ولی اینکه با این لحن علما رو زیر سوال می برد چگونه این سخنان را می توان توجیه کرد. در صورت امکان عمومی پاسخ دهید ایمیل خراب است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم. این سخنان مربوط به دورانی از زندگی دکتر شریعتی است که سخت تحت تأثیر دکتر مصدق و جبهه‌ی ملی است. ولی بعداً تغییر اساسی پیدا می‌کند در حدی که به شدت ارادتمند حضرت امام می‌شود و در این راستا است که رهبر انقلاب از شریعتی دفاع می‌نمایند و جنابعالی می‌توانید در فضای مجازی نظرات رهبری را در این مورد جستجو کنید. موفق باشید